



## یوتنازی یا مرگ از روی ترجم

نویسنده: حضرت آیت ا... امینی \*

غیرقابل علاج، به وسائل مصنوعی، خودداری می کند. مسائل دیگری از این قبیل هست که لازم است پاسخ داده شود. مانند اینکه:

آیا انسان حق دارد خودکشی کند یا از دیگری تقاضای قتل نماید؟ اکنون این سؤال مطرح می شود که:

آیا عمل یوتنازی را در مورد افراد فلج و معلول و سالمندانی که از کار افتاده اند و هیچکس و هیچ مؤسسه ای حاضر نیست از آنان پرستاری کند، و همچنین در مورد بیماران غیرقابل علاجی که از شدت درد، در رنج و شکنجه اند، می توان تجویز کرد؟

آیا پزشک مجاز است از روی ترجم و به استناد تقاضای بیمار یا اطرافیانش، بیمار را به قتل برساند؟ آیا مادر مجاز است به بهانه اینکه بچه دار شدن مزاحم آزادی و آسایش اوست، سقط جنین کند؟

یوتنازی را به دو نوع: فعال، و انفعالی، تقسیم کرده اند. در نوع فعال، پزشک با تقاضای بیمار یا اطرافیانش یا حتی بدون تقاضای آنان، از روی ترجم، به وسیله تجویز داروهای کشنده، به حیات بیمار خاتمه می دهد. و در نوع انفعالی، پزشک از ادامه مداوای بی فایده، و تلاش برای زنده نگه داشتن بیمار

\* عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

آیا پزشک می‌تواند به استناد تقاضای مادر، جنین او را ساقط سازد؟ آیا پزشک مجازات با قطع تنفس مصنوعی و تغذیه سرم، در مردن بیمار غیرقابل علاج تسریع کند؟

در پاسخ به سؤالات مذکور دو گونه جواب کاملاً متفاوت داده می‌شود، که از دو نوع بینش در رابطه با انسان و اهداف زندگی و سرانجام او، سرچشمه می‌گیرد.

جمعی عقیده دارند که انسان حیوان تکامل یافته‌ای بیش نیست. مدتی در این جهان زندگی می‌کند، و در نهایت، مرگ به زندگی او پایان می‌دهد و به کلی نابود می‌گردد. بعد از زندگی این جهان، زندگی دیگری هم نخواهد داشت. هدف زندگی انسان هم جز بهره‌گیری از انواع لذات حیوانی چیز دیگری نیست. غذا می‌خورد تا زنده بماند و بتواند کار کند، و کار می‌کند تا غذا تهیه کند، بخورد و بیاشامد و از تمتعات جنسی لذت ببرد. زندگی همین است و جز این نیست.

با چنین دیدگاهی است که این گروه، عمل یوتنازی را نه تنها مجاز بلکه یک عمل اخلاقی می‌شمارند و در توجیه نظر خود می‌گویند: پزشک از روی ترحم و حسن نیت، و بر طبق مصالح واقعی بیمار و اطرافیان و جامعه عمل یوتنازی را انجام می‌دهد. از یک

طرف بیمار غیرقابل علاج را از تحمل دردهای توانفرسا نجات می‌دهد، از طرف دیگر اطرافیان و پرستاران بیمار را از دشواریها و مصائب پرستاری و تحمل عذاب و شکنجه‌های روحی راحت می‌سازد. از سوی دیگر تخت بیمارستان

و نیروهای امدادگر را از اشغال چنین بیمار غیرقابل علاج و امدادهای بدون فایده آزاد می‌سازد و این عمل را یک عمل بشردوستانه و اخلاقی محسوب می‌دارند.

از همین دیدگاه خودکشی یا تقاضای آن را نیز تجویز می‌نمایند و در توجیه نظر خود می‌گویند: انسان مالک و اختیاردار خویش است. تا هنگامی که از لذات زندگی بهره‌مند می‌شود به

زندگی خود ادامه می‌دهد، لیکن اگر زندگی برایش تلخ و ناگوار شد حق دارد بدان خاتمه دهد و رهسپار دیار عدم گردد.

از همین دیدگاه سقط جنین را نیز تجویز می‌نمایند، و در توجیه آن گاهی به مسأله ضرورت تحدید نسل، و گاهی به فقر و مشکلات زندگی، و گاهی به آزادیهای جنسی پسران و دختران، و در نتیجه کثرت کودکان نامشروع، تمسک می‌جویند. در توجیه عمل پزشک نیز می‌گویند: سقط جنین در برخی موارد یک نیاز اجتماعی است و پزشک بدین وسیله به مردم خدمت می‌کند. در

است که همه مردم را زنده کرده باشد. (سوره مائده/۳۳)

اسلام برای جلوگیری از قتل انسانها، و برای رعایت حال اولیاء مقتول، به آنان اجازه داده که از قاتل انتقام بگیرند. در صورتی که قتل عمد باشد می‌توانند قصاص کنند و می‌توانند دیه بگیرند، و در صورتی که قتل خطائی باشد فقط می‌توانند دیه بگیرند.

از آیات مذکور و احادیث فراوانی استفاده می‌شود که اسلام هر گونه قتلی را تحریم نموده مگر در مورد قصاص و حدود معین که آن هم به منظور جلوگیری از قتل و فساد تشریح شده است.

اسلام یوتنازی و قتل از روی ترحم را در هر صورت و به هر طریق حرام می‌داند.

اسلام خودکشی را نیز در هیچ حالی تجویز نمی‌کند و آن را یکی از مصادیق قتل حرام می‌داند.

اسلام سقط جنین را نیز از مصادیق قتل نفس می‌داند. نه به مادر اجازه می‌دهد جنین خود را ساقط سازد، نه پزشک حق دارد برایش سقط جنین کند.

اسحاق بن عمار می‌گوید: به حضرت ابی الحسن علیه السلام عرض کردم: آیا زن می‌تواند از ترس آبستن شدن دوا بخورد و نطفه را ساقط سازد؟ فرمود: نه عرض کردم: در این حال نطفه‌ای



## اسلام انسان را موجودی شریف و گرامی و مسئول می‌داند.



بیش نیست. فرمود: اولین مرحله پیدایش انسان نطفه است. (وسائل، ج. ۱۹، ص. ۱۵)

بنابراین، اسلام با هر گونه قتلی جز در موارد قصاص و حدود، شدیداً مخالف و اصلاً آن را تجویز نمی‌کند.

نظر اسلام از بینش خاص او در مورد انسان و هدف زندگی او سرچشمه می‌گیرد. که به طور اجمال به آنها اشاره می‌شود:

۱- اسلام انسان را موجودی شریف و گرامی و مسؤول می‌داند.

در قرآن می‌فرماید: ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم، و بر دریا و خشکی سوار کردیم، و از چیزهای خوب و پاکیزه روزی دادیم و بررسیاری از مخلوقات برتری دادیم. (سوره اسراء/۷۰)

و می‌گوید: او خدائی است که شما را خلیفگان زمین قرار داد و بعضی را بر بعضی دیگر، به درجاتی برتری داد، تا

شما را در چیزی که عطایان کرده بیازماید همانا که پروردگارت زود کیفر می‌دهد و او آمرزنده و مهربان است. (سوره انعام/۱۶۵)

و می‌فرماید: آنگاه شما را در روی زمین جانشین آنها قرار دادیم تا بنگریم چگونه عمل می‌کنید. (سوره یونس/۱۴)

۲- اسلام انسان را موجودی ممتاز و برتر از حیوانات می‌داند. و امتیاز او را در روح مجرد ملکوتی او می‌داند که یک هدیه الهی است.

در قرآن می‌گوید: پروردگارت به فرشتگان گفت: می‌خواهم بشری از گل خشک، از لجن بونیاک بیافرینم. وقتی آفرینش او را به پایان بردم و از روح (منسوب به) خودم در آن دمیدم، در برابرش سجده کنید.

(سوره حجر ۲۸، ۲۹)

۳- اسلام انسان را موجودی برتر از ماده می‌داند که با مرگ نابود نمی‌شود بلکه از این جهان به جهان آخرت منتقل می‌شود تا پاداش یا کیفر اعمال خوب یا بد دنیوی خود را ببیند. در قرآن می‌گوید: آیا گمان می‌کنید شما را بیهوده آفریدیم و به سوی من رجوع نمی‌کنید. (سوره مؤمنون/ ۱۱۵)

و می‌گوید: بگو: فرشته مرگ که بر شما گمارده شده شما را قبض می‌کند، سپس به سوی پروردگارتان رجوع می‌کنید. (سوره سجده/ ۱۱)

۴- اسلام انسان را موجودی مسؤول و مکلف می‌داند، که مسؤولیت پرورش و تکمیل نفس خویش را بر عهده گرفته، نتیجه اعمال خوب یا بد خود را در جهان آخرت خواهد دید. اسلام دنیا را مزرعه آخرت و هدف زندگی انسان را معرفت خدای سبحان و پرستش او می‌داند.

در قرآن می‌گوید: هر کس عمل شایسته‌ای انجام دهد به سود خودش کارکرده و هر کس که عمل بدی انجام دهد به زیان خودش خواهد بود. سپس به سوی پروردگارتان رجوع خواهید کرد (سوره جاثیه ۱۵) و می‌فرماید: جن و انس را جز برای عبادت نیافریدیم. (سوره الذاریات/۵۶)

گر چه عبادت پروردگار، به عنوان هدف آفرینش و زندگی انسان معرفی شده لیکن عبادت در اسلام در انجام مراسم مخصوص عبادی خلاصه نمی‌شود بلکه انسان مؤمن با قصد اخلاص می‌تواند همه حرکات و سکنات و حتی تفکرات و نفس کشیدن‌ها و حتی تحمل دردها و گرفتاریهای توانفرسای خود را به صورت عبادت و در طریق تقرب الی ... قرار دهد.

برای تزکیه و تهذیب و تکمیل نفس انسان مؤمن و مخلص همه چیز مفید است. حتی بیماریهای توانفرسا و گرفتاریها و مشکلات زندگی می‌تواند در



## اسلام دنیا را مزرعه

## آخرت و هدف زندگی

## انسان را معرفت

## خدای سبحان و

## پرستش او می‌داند.



طریق سعادت او قرار گیرد، اگر همراه با صبر و رضا باشد. در احادیث بدین مطلب اشاره شده است از باب نمونه:

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس یک شب بیمار شود و آن را نیکو بپذیرد و خدای را سپاس گوید، کفاره گناهان شصت ساله او خواهد شد. راوی گفت: معنای نیکو پذیرفتن چیست؟ فرمود: صبر بر درد و ناراحتی. (ثواب الاعمال، ص: ۴۳۱)

بنابراین، بیماریها و گرفتاریها اگر توأم با اخلاص و صبر و رضا باشد موجب تقرب به خدا و علو درجات خواهد شد و تحمل آنها گر چه دشوار است لیکن به هر حال به نفع واقعی انسان خواهد بود.

به علاوه: به هنگام بیماریها و گرفتاریهای سخت، برای انسان امکان بیشتری هست که به خود آید و از گناهان گذشته‌اش پشیمان شود و به

سوی خدا توبه کند و باز گردد.

از این مجموع چنین نتیجه می‌گیریم که عمر انسان بسیار ارزشمند و مغتنم است، حتی ایام بیماریهای غیرقابل علاج و حتی ساعتها و دقائق آخر عمر، و حتی در زمان اغماء برای انسان مؤمن و انسان فاسق می‌تواند مفید و سرنوشت‌ساز باشد.

اسلام با چنین دیدگاهی یوتنازی (قتل از روی ترحم) را هیچگاه تجویز نمی‌کند، آن را هیچگاه به صلاح واقعی بیماران غیرقابل علاج و سالخوردهگان بی‌سرپرست، و حتی افرادی که در اغماء کامل به سر می‌برند و امیدی به بهبودشان نیست، نمی‌داند. و چنین ترحمی را نه تنها یک عمل اخلاقی نمی‌شمارد بلکه آن را قتل نفس و خیانت به مقتول و موجب کیفرهای دنیوی و اخروی می‌داند. تقاضای بیمار و اطرفیان‌ش را مجوز نمی‌داند. چون ایام باقی‌مانده عمر بیمار غیرقابل علاج و حتی ساعات و دقائق آن برایش ارزشمند و سرنوشت‌ساز خواهد بود. چون اگر دیندار و صالح باشد تحمل درد و صبر و بردباری و همه حرکات و سکنات و حتی نفس کشیدن‌های او موجب تکامل نفس و علو درجات و نیل به ثوابهای اخروی خواهد شد و اگر فرد فاسق و گناهکاری است، تحمل درد و صبر بر آن موجب تزکیه نفس و تخفیف گناهان



# ارزش پزشک و مسئولیت سنگین او

بقیه از صفحه ۲۹

پزشک باید آنقدر مورد اعتماد باشد که بیمار بتواند همه افکار و اسرارش را ب او در میان بگذارد و از او راهنمایی بخواهد. فاش کردن اسرار بیمار یک خیانت اخلاقی محسوب می شود و اعتماد را سلب می کند. و به صلاح دنیا و آخرت پزشک نیست.

امانت و تقوا و ایمان پزشک اقتضا دارد که در مقدار تجویز دارو احتیاط را رعایت کند. به مقدار نیاز دارو بنویسد. و از ردیف کردن چند رقم داروهای تکراری و غیر لازم خودداری نماید. چنین عملی هم به اقتصاد کشور لطمه می زند هم به زیان بدنی و اقتصادی بیمار خواهد بود. و این یک گناه و خیانت است.

در خاتمه از پزشکان محترم پوزش می طلبم و توفیق همگان را از خدای بزرگ مسئلت می نمایم.

۱۳۷۲/۲/۲ قم حضرت آیت ا...

امینی

از همین دیدگاه است که اسلام نطفه ای را که در رحم زن انعقاد یافته و در طریق انسانیت قرار گرفته یک موجود شریف و ارزشمند می داند و سقط آن را تجویز نمی کند. و کثرت آمار ارتکاب این عمل زشت در دنیای به اصطلاح متمدن، به بهانه ازدیاد جمعیت، یا به بهانه تأخیر سن ازدواج و کثرت فرزندان نامشروع، یا به بهانه تمایل بعض بانوان به آزادی، یا به بهانه فقر و کمبود مواد غذایی، هیچیک از اینها مجوز سقط جنین نمی شود. حتی تقاضای پدر و مادر نیز برای پزشک مجوز سقط جنین نمی شود. مادران می توانند قبلاً از بارداری جلوگیری نمایند لیکن بعد از انعقاد نطفه در سقط آن مجاز نیستند.



او خواهد شد. و امکان دارد در ساعات و دقائق آخر عمر و در اثر درد و بیماری، به خود آید و از کردار گذشته اش پشیمان شود، و به وسیله توبه، در یک لحظه وضع خود را دگرگون سازد و به صورت فردی صالح از دنیا برود. و هیچکس حق ندارد چنین امکانی را از او سلب نماید.

از همین بیان روشن شد که قطع تنفس مصنوعی و تغذیه سرم را نیز نمی توان تجویز کرد. اسلام از همین دیدگاه خودکشی را یک گناه کبیره می داند و چنین عملی را به هیچ کس در هیچ شرایطی اجازه نمی دهد. انسان برای لذتجویی آفریده نشده است تا حق داشته باشد در مواردی که زندگی بر او تلخ است خودکشی کند. بلکه به منظور عالی تری آفریده شده که امکان استیفای آن در همه حال وجود دارد. و حتی خودش حق ندارد چنین امکانی را از خویش سلب کند.